

قابلیت پذیرش ادله غیرقانونی در حقوق بین‌الملل: بررسی موردی اسناد ویکی‌لیکس

سیدحسین سادات میدانی

نادیا ملانسب

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2022.251944

(DOR) : 20.1001.1.2251614.1401.39.67.8.6

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

چکیده

ادله اثبات دعوا نقش بسزایی در پیشبرد اجرای عدالت در دادرسی‌های بین‌المللی دارد. در دعاوی بین‌الدولی این دولت‌ها هستند که خود به‌عنوان اطراف دعوا اقدام به تحصیل و ارائه ادله می‌کنند و گاهی احتمال دارد که یکی از طرف‌ها با نقض حقوق بین‌الملل، اقدام به جمع‌آوری ادله کند. قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی، موضوعی بحث‌برانگیز در رویه قضایی و آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل است. ازجمله این موضوع اخیراً با انتشار اسناد دیپلماتیک از طریق تارنمای ویکی‌لیکس مورد بحث قرار گرفته است. در برخی از قضایای بین‌المللی، اصحاب دعوا کوشیده‌اند از این تلگراف‌ها به‌عنوان دلیل اثبات حقیقت در محضر دادگاه‌های بین‌المللی و داخلی بهره‌جویند. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه دادرسی‌های قضایی بین‌المللی چه جایگاهی دارد. مقاله نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت یافتن ادله اثبات دعوا، تا زمانی که اطراف دعوا ایراداتی را بر ادله ارائه‌شده مطرح نکنند، دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی اکراه دارند که به ابتکار خود، قابلیت پذیرش ادله ارائه‌شده را بررسی کنند. در این پژوهش در وهله نخست، مبانی نظری قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در حقوق بین‌الملل بررسی و سپس به رویه بین‌المللی در خصوص قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده پرداخته شده است.

shsadatm@gmail.com

نویسنده مسئول، استادیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، گرایش حقوق بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل

n.molanasab@gmail.com

وزارت امور خارجه



واژگان کلیدی

ادله اثبات دعوا، قابلیت پذیرش، ادله تحصیل شده غیرقانونی، تلگراف دیپلماتیک افشاشده، ویکی‌لیکس، دادرسی‌های بین‌المللی

مقدمه

با توسعه روابط بین‌الملل، روند بروز اختلاف‌های بین‌المللی نیز فزونی یافته است و این در حالی است که روش‌های مختلف حل و فصل صلح‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی در طول زمان شکل گرفته و به تدریج تکامل یافته‌اند؛ به طوری که قلمرو قواعد رسیدگی دادگاه‌های بین‌المللی در پایین‌ترین سطح توجه در حقوق بین‌الملل قرار دارند.^۱ در حقوق بین‌الملل، مجموعه کامل و یکپارچه‌ای در خصوص قواعد رسیدگی که تمامی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی طبق آن عمل کنند، وجود ندارد.^۲ این موضوع در حقوق داخلی کشورها متفاوت است و در اکثر کشورها مجموعه قوانین مشخصی ناظر بر امر ادله اثبات دعوا به صورت نوشته وجود دارد.^۳ این موضوع بدین معنا نیست که هیچ قاعده‌ای بر رسیدگی‌های قضایی حاکم نیست؛ بالعکس، هرگونه رسیدگی قضایی بین‌المللی بر اساس قواعد از قبل تدوین شده انجام می‌شود.^۴ به تدریج نیز مجموعه‌ای از قواعد در خصوص ادله اثبات دعوا در رویه قضایی بین‌المللی شکل گرفته است.^۵

1. Feller, A.H., *The Mexican Claims Commission 1923-1934*, New York, 1935, p. 7.

۲. سادات میدانی، سیدحسین؛ *دیوان بین‌المللی دادگستری ادله اثبات دعوا*، جنگل، ۱۳۹۱، ص ۹۳.

۳. به‌عنوان نمونه، در مواد ۱۹۴ تا ۲۹۴ آیین دادرسی مدنی جمهوری اسلامی ایران، مقرراتی برای دلیل و اثبات دلیل در دعاوی مدنی پیش‌بینی شده است.

۴. میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات میدانی؛ *دادرسی‌های بین‌المللی؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل*، جنگل، ۱۳۹۳، ص ۴۶۵.

۵. به‌عنوان نمونه، در قضیه *بوسنی علیه صربستان*، دیوان بیان می‌کند که از آنجا که خواهان مدعی حقیقتی (Fact) است، پس بار اثبات دعوا نیز بر عهده خواهان است. در این قضیه خواهان معتقد بود چون شورای عالی دفاع صربستان اسناد مورد نظر بوسنی را به علت محرمانه بودن در اختیار دیوان قرار نداد، پس بار اثبات دعوا باید بر عهده خواننده قرار گیرد. دیوان درخواست خواهان را دائر بر اینکه بار اثبات دعوا بر عهده خواننده است، نپذیرفت زیرا معتقد بود که خواهان جدای از اسناد شورای عالی دفاع صربستان، ادله و اسناد زیادی در نتیجه دادرسی‌های دادگاه ویژه کیفری برای یوگسلاوی سابق در اختیار دارد. ن.ک:

Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, I.C.J., Judgment, 2007, paras. 203-206.

اما در قضیه *جبران خسارت کنگو علیه اوگاندا* بار اثبات دعوا بر عهده خواننده قرار گرفت. در این قضیه دیوان بیان داشت که اوگاندا به‌عنوان قدرت اشغالگر ناحیه ایتوری (Ituri) وظیفه داشت تا مراقب باشد دیگر گروه‌های شورشی حاضر در منطقه، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را نقض نکنند. با توجه به وظیفه دولت اوگاندا، دیوان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که چون اوگاندا توانسته است به وظیفه خود عمل کند، پس به‌عنوان دولت خواننده باید ثابت کند که خسارت‌های ادعایی کنگو در نتیجه عدم عمل آن به وظایفش به‌عنوان قدرت اشغالگر ایجاد نشده است. ن.ک:

در همه دعاوی بین‌المللی، اطراف دعوا باید اسناد و مدارکی را به‌عنوان «دلیل» به مرجع قضایی یا داوری ذی‌ربط ارائه دهند؛ به گونه‌ای که ادعای بدون سند و مدرک، شانس پیروزی ندارد. نقش و جایگاه دلیل در دادرسی‌های قضایی بین‌المللی اهمیت بسزایی در تحقق عدالت بین‌المللی و اجرای قانون دارد. «دلیل» ابزاری است که حقایق به‌وسیله آن اثبات یا رد می‌شوند.^۶ معهذ علی‌رغم وجود طبقه‌بندی‌های نسبتاً دقیق و مشخص در نظام حقوق داخلی، در حقوق بین‌الملل تعریف دقیق و مشخصی از «دلیل» وجود ندارد. دلیل عبارت است از «اسنادی که یکی از طرفین اختلاف، بنا به ابتکار خویش یا بنا به درخواست دیوان به منظور اثبات یک حقیقت مورد ادعا یا یک حق قانونی مورد ادعا ارائه می‌کند».^۷ دادرسی‌های بین‌المللی در پرداختن به ادله ارائه‌شده، مجموعه‌ای از قواعد ادله اثبات دعوا را اعمال می‌کنند که جزء جدایی‌ناپذیر حل و فصل اختلاف‌های بین‌المللی هستند. ادله اثبات دعوا خود از سه بخش بار اثبات دعوا، قابلیت پذیرش و ارزشیابی دلیل و استاندارد اثبات تشکیل شده‌اند.

در این مقاله سعی شده است تا به بخشی از موضوع قابلیت پذیرش و ارزشیابی دلیل در دادرسی‌های بین‌المللی پرداخته شود. قابلیت پذیرش و ارزشیابی دلیل، خود دارای ابعاد و وجوه گوناگونی است و مسائل و موضوع‌های مختلفی را در خود جای داده است.^۸ یکی از ابعاد بحث برانگیز قابلیت پذیرش و ارزشیابی دلیل، موضوع پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی است. ادله‌ای که از طریق نقض حقوق بین‌الملل تحصیل شده باشند در زمره دلایلی هستند که در حقوق بین‌الملل حاکم بر دعاوی بین‌المللی، دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی نسبت به قابلیت

Armed Activities on the Territory of Congo, Democratic Republic of the Congo v. Uganda, I.C.J., Judgment, 2022, para. 78.

6. Marco, Roscini, "Digital Evidence as a Means of Proof before the International Court of Justice", *Journal of Conflict and Security Law*, vol. 21, No. 3, 2016, p. 3.

7. سادات میدانی؛ همان، ص ۱۲۲. به نقل از:

A Dialogue at the Court, Proceedings of the I.C.J., UNITAR Colloquium Held on the Occasion of the Sixtieth Anniversary of the International Court of Justice, at the Peace Palace on 10 and 11 April 2006, Edited and Published by the Registry of the Court, p. 25.

«دلیل» به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها حقایق اثبات می‌شوند و ادله اثبات دعوا به معنای بدنه‌ای از حقوق و اختیاراتی است که ابزارهای اثبات حقایق را قاعده‌مند می‌سازند. اصل اساسی ادله اثبات دعوا در حقوق عرفی بدین صورت است که «همه ادله ارائه‌شده، جز در موارد استثنا، از قابلیت پذیرش برخوردارند». ن.ک:

Keane, Adrian, Mckeewon, Paul, *The Modern Law of Evidence*, Oxford University Press, 2012, p. 2.

در معنای وسیع‌تر و جهانی‌تر، دلیل شامل تمامی ابزارهایی است که به‌وسیله آن، درستی حقیقت مورد ادعا اثبات یا رد می‌شود. ن.ک:

The Venezuelan Preferential Case, (Germany, Great Britain, Italy, Venezuela et al.), Award, 22 February 1904, p. 622.

8. سادات میدانی؛ همان، ص ۲۴۵.

پذیرش آن‌ها تردید دارند.^۹ گاهی حفظ یکپارچگی رسیدگی قضایی و رسیدن به نتیجه‌ای صحیح، اهدافی مغایر با هم هستند. معضل از جایی آغاز می‌شود که یکی از اطراف دعوا با نقض حقوق حاکمیتی یا حقوق بین‌الملل، به‌طور مثال با نقض حقوق دیپلماتیک یا حقوق هوایی، اقدام به جمع‌آوری ادله می‌کند. در اینجا سؤال این خواهد بود که آیا غیرقانونی بودن جمع‌آوری ادله بر قابلیت پذیرش دلیل تحصیل‌شده تأثیر دارد؟

روند رو به فزونی دسترسی همگان به اینترنت و همچنین سرعت گردش اطلاعات باعث شده است تا امروزه دلایل دیجیتال نیز راهی در عرصه دادرسی‌های بین‌المللی بیابند. این روند رو به رشد، مواهب بسیاری دارد اما این احتمال هست که گروهی دست به اقدام‌هایی همچون جاسوسی سایبری و افشای اطلاعات محرمانه بزنند.^{۱۰} به‌عنوان نمونه، تارنمای ویکی‌لیکس برای نخستین بار در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰، تلگراف‌های دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا را منتشر کرد.^{۱۱} علی‌رغم مصونیت اسناد و مکاتبات دیپلماتیک از منظر اسناد بین‌المللی^{۱۲} و همچنین آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل،^{۱۳} پس از اقدام ویکی‌لیکس، اطراف دعوا در برخی دادرسی‌های بین‌المللی بین‌المللی غیرکیفری و کیفری و همچنین دادگاه‌های داخلی^{۱۴} در تلاش بودند تا به تلگراف‌های

۹. همان، ص ۱۳۰.

10. Boykin, James, Havalic, Malik, "Fruits of the Poisonous Tree: The Admissibility of Unlawfully Obtained Evidence in International Arbitration", *Transnational Dispute Management*, 2014, p. 2.

۱۱. ویکی‌لیکس اذعان داشت که طی اقدام افشاسازی، ۲۵۱۲۸۷ تلگراف از ۲۷۴ سفارت و کنسولگری و همچنین مأموریت‌های دیپلماتیک را که در طول ۴۴ سال ارسال و دریافت شده‌اند، منتشر کرده است. طبق نظر خود ویکی‌لیکس، این اقدام بزرگ‌ترین افشاسازی اسناد محرمانه بوده است. ن.ک:

Secret U.S. Embassy Cables, WikiLeaks, <<https://wikileaks.org/cablegate.html>>, last seen 28th July 2022.

۱۲. در مواد ۲۴ و ۲۷ کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک وین، موضوع مصونیت اسناد و بایگانی دیپلماتیک پیش‌بینی شده است. علاوه بر مواد مذکور، برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که امروزه مفهوم بایگانی شامل داده‌هایی که توسط ابزارهای الکترونیکی، به‌عنوان نمونه، هارد رایانه و دیسک‌های فلاپی، سی‌دی، رام، کارت‌های حافظه و سایر ابزارهای بایگانی جدیدی که اختراع شده‌اند نیز می‌شود. ن.ک:

Aust, Anthony, *Handbook of International Law*, Oxford University Press, 3rd Edition, 2010, p. 120.

Behrens, Paul, *Diplomatic Law in a New Millennium*, Oxford University Press, 2017, p. 210.

۱۳. به عقیده دنزا، «اسنادی که در زمره بایگانی دیپلماتیک قرار گرفته‌اند، مصونیت از تعرض خود را حتی در صورت دزدیده‌شدن یا تحصیل به روش‌های نامناسب از دست نمی‌دهند». ن.ک:

Denza, Eileen, *Diplomatic Law*, Oxford University Press, 3rd Edition, 2008, pp. 196-197.

۱۴. یکی از باجزئیات‌ترین پرونده‌ها در مورد قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده، پرونده بنکولت علیه وزارت امورخارجه و مشترک‌المنافع بریتانیا در دیوان عالی دادگستری انگلیس است. خواهان گروهی از افراد بومی جزایر شاگوس در سرزمین اقیانوس هند بریتانیا بودند. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در ۱۹۶۶ در خصوص استفاده از قلمرو مذکور به‌عنوان پایگاه دریایی ایالات متحده آمریکا به توافق دست یافتند. متعاقب توافق صورت‌گرفته، بریتانیا دستور انتقال و ممانعت از ورود ساکنان جزیره را صادر کرد. اقدام مذکور منجر به طرح یکی از طولانی‌ترین دعاوی در بریتانیا شد. در پرونده بنکولت (۱) گروه خواهان با استناد به یکی از تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده مدعی بودند که اقدام بریتانیا در ۲۰۱۰ جهت تخصیص جزایر

دیپلماتیک افشاشده به‌عنوان دلیل اثبات امری استناد کنند.^{۱۵} بر این اساس، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که پذیرش ادله غیرقانونی به‌صورت کلی و تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده به‌طور خاص در رویه قضایی بین‌المللی چه جایگاهی دارد؟ به این مسئله در مقاله حاضر در دو مبحث پرداخته شده است. در مبحث نخست به مبانی نظری قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در حقوق بین‌الملل و دیدگاه موافقان و مخالفان پذیرش این دسته از ادله پرداخته خواهد شد. در مبحث دوم تلاش شده است تا رویه دادرسی‌های قضایی بین‌المللی در ارتباط با قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده بررسی شود.

۱. مبانی نظری قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی

در حقوق بین‌الملل، ارتباط ادله با دعوا و ارزش ادله، به ارزیابی دیوان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی بستگی دارد. بر اساس قاعده‌ای کلی، هر دلیل ارائه‌شده از سوی اصحاب دعوا قابلیت پذیرش دارد مگر اینکه طرف(های) مقابل نسبت به آن اعتراض کند یا اینکه دلیل مذکور در زمره استثنائات اصل آزادی قابلیت پذیرش قرار گیرد.^{۱۶} به دیگر سخن، دیوان‌های بین‌المللی به‌طور

به‌عنوان «منطقه حفاظت‌شده دریایی»، امری غیرقانونی بوده زیرا قصد آن‌ها به‌طور مشخص، ادامه ممانعت از ورود اهالی آواره جزیره بوده است، در صورتی که بریتانیا اعلام کرده بود که هدف آن‌ها حفاظت از محیط‌زیست است. تلگراف دیپلماتیک افشاشده مذکور مدعی است که قرار ملاقاتی میان مقامات بریتانیایی و مقامات سفارت ایالات متحده در ۱۲ مه ۲۰۰۹ رخ داد و هدف از این دیدار ارائه طرح پیشنهادی منطقه حفاظت‌شده دریایی بود. طرح حفاظت دریایی، ماهی‌گیری تجاری را غیرقانونی می‌دانست و این در حالی بود که اهالی بومی جزایر شاگوس از طریق ماهی‌گیری امرار معاش می‌کردند و بدین ترتیب با منع ماهی‌گیری، وضعیت زندگی ساکنان جزایر در صورت بازگشت به سرزمین‌های خود با مشکل مواجه می‌شد.

ن.ک:

R. (on the Application of Bancoult) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs, Bancoult I, 2012, EWHC 2115, Admin.

R. (on the Application of Bancoult) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs, Bancoult II, 2013, EWHC 1502, Admin.

Regina (on the Application of Bancoult) v. Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs, No.3, 2014, EWCA Civ 708.

۱۵. تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در زمره ادله هک‌شده قرار می‌گیرند. ادله هک‌شده به آن دسته از اطلاعاتی اطلاق می‌شود که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم یا توسط شخص ثالثی از طریق دسترسی غیرمجاز به دست آمده باشد. این قبیل اطلاعات شامل ایمیل، اسناد دیجیتال، فیلم و صداهای ضبط‌شده و سوابق تراکنش‌های مالی می‌شود. ن.ک:

Freehills, Herbert Smith, García-Perrote, Guillermo, "Admissibility of Hacked Evidence in International Arbitration", *Kluwer Arbitration Blog*, 7 July 2021.

16. Sandifer, Evidence before International Tribunals, cited In: Reisman, W. Michael, Freedman, Eric E., "The Plaintiff's Dilemma: Illegally Obtained Evidence and Admissibility in International Adjudication", *The American Journal of International Law*, vol. 76, No. 4, 1982, p. 737.

گرچه دولت‌ها در انتخاب نوع و قالب ادله مؤید ادعاهای خویش در دیوان از آزادی عمل برخوردارند، محدودیت‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد، مانند ادله غیرقانونی، ادله ارائه‌شده پس از موعده مقرر و ادله به‌دست‌آمده در جریان مذاکرات پیش از جریان دعوا.

کلی هیچ محدودیتی در پذیرش دلیل ندارند مگر اینکه معنی در مقررات اساسنامه‌ای یا آیین دادرسی آن‌ها به لحاظ ماهوی یا زمانی پیش‌بینی شده باشد.^{۱۷} برای مثال با اینکه دیوان بین‌المللی دادگستری به اصحاب دعوا جهت ارائه دلیل، آزادی اعطا کرده است، تصمیم‌هایش صرفاً مبتنی بر حقایق و دلایل مورد اختلاف اطراف دعوا نیست و حق آزادی عمل در ارزیابی ادله را برای خود محفوظ داشته است.^{۱۸} روزالین هیگینز، رئیس اسبق دیوان بین‌المللی دادگستری، رویکرد دیوان نسبت به قابلیت پذیرش ادله را این‌گونه شرح می‌دهد: «اطراف دعوا حق دارند که انتظار داشته باشند ما تمامی ادله‌ای را که آن‌ها در اختیار دیوان قرار می‌دهند، ارزیابی کنیم و می‌کنیم».^{۱۹} دیوان همچنین تفاوتی میان اسناد عمومی و خصوصی قائل نیست و بدین ترتیب، «قاعده ادله برتر»^{۲۰} در دیوان وجود ندارد.^{۲۱} از نظر برخی صاحب‌نظران، به علل آشکار دیپلماتیک، دادگاه‌های بین‌المللی تمایلی به نپذیرفتن آنچه از سوی حاکمیت‌ها ارائه می‌شود، ندارند.^{۲۲}

۱-۱. قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در دادرسی‌های بین‌المللی از نگاه آموزه‌های علمای حقوق بین‌الملل

مسائل و موضوع‌های مربوط به قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی باعث شکل‌گیری دو دیدگاه متفاوت شده است. دیدگاه نخست به آموزه‌های آن دسته از علمای حقوق بین‌الملل

17. Ospina, Edvardou Valencia, "Evidence before the International Court of Justice", *International Law Forum du Droit International*, vol. 1, No. 4, 1999, p. 204.

دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه، مقالات، مطبوعات و گزیده‌های کتب را «به‌عنوان دلیل با قابلیت اثبات یک حقیقت» نپذیرفت اما از آن به‌عنوان «منابعی که می‌توانند تحت شرایطی مثبت وجود واقعی باشند» یاد کرد.

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, I.C.J., Judgement, 1986, para. 40.

18. Statute of International Court of Justice, Art. 48.

برای اطلاعات بیشتر در خصوص ارائه ادله اثبات دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری به مواد ۵۰ و ۵۷ قواعد دادرسی دیوان مذکور، ن.ک:

19. Speech by H. E. Judge Rosalyn Higgins, President of the International Court of Justice to the General Assembly of the United Nations, 1 November 2007, <www.icj-cij.org/presscome/Files/3/141113>, last seen 28th July 2022.

20. Best Evidence Rule

21. Aguilar Mawdsley, Andrés, "Evidence before the International Court of Justice", In: Macdonald, Ronald St. John (ed.), *Essays in Honour of Wang Tieya*, Dordrecht, Boston and London, Martinus Nijhoff, 1994, p. 540.

ن.ک: نظریه جداگانه قاضی برنادز در قضیه اختلاف مرز خشکی، جزیره‌ای و دریایی:

Separate Opinion of Judge Torres Bernardez, *Land, Island and Maritime Frontier Dispute (El Salvador/Honduras: Nicaragua Intervening)*, I.C.J. Reports, 1992, p. 302.

22. Brower, Charles N., "Evidence before International Tribunals: The Need for Some Standard Rules", *International Lawyer*, vol. 28, No. 1, 1994, p. 148.

مربوط می‌شود که معتقدند نبود قواعد مشخص و معین در رابطه با قابلیت پذیرش دلیل در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری، مشوقی برای تحصیل ادله به روش‌های غیرقانونی است. این گروه از علمای حقوق بین‌الملل بر این باورند که زمان بازنگری در قواعد رسیدگی دیوان فرارسیده است.^{۲۳} در مقابل، برخی از علمای حقوق بین‌الملل معتقدند که نبود قاعده‌ای در رابطه با قابلیت پذیرش دلیل موجب بروز مشکلاتی برای اطراف دعوا نمی‌شود.^{۲۴}

مخالفان قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی بر این باورند که پذیرش این دسته از دلایل می‌تواند به جریان دادرسی آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کند. به‌عنوان نمونه، زمانی که اسناد دارای مصونیت به سرقت روند، اگر قاعده یا رویه‌ای در ارتباط با منع، پیشگیری یا مجازات سرقت اسناد وجود نداشته باشد، دولت‌ها خود موازین «مقبولیت»^{۲۵} ادله را وضع می‌کنند.^{۲۶} نظام‌های حقوق داخلی حاوی مقرراتی هستند که گرایش به جمع‌آوری دلیل به هر شکلی را مهار و روش‌هایی را برای مهار دستیابی به دلیل از طریق نقض حریم خصوصی خواننده پیش‌بینی می‌کنند؛ حال آنکه در دادرسی‌های بین‌المللی این موضوع موجب بروز مشکلاتی برای خواهان می‌شود زیرا از نظر خواهان ممکن است وجود چنین موانعی باعث عدم احقاق حق وی شود.^{۲۷}

معضل از جایی آغاز می‌شود که معمولاً در دعاوی بین‌المللی حتی اگر دولت خواننده، تمامی ادله در اختیار خود را فهرست‌بندی و اعلام کند، باز هم هیچ راهی برای دولت خواهان وجود ندارد که طرف مقابل را وادار کند ادله مورد نیاز و مربوط به پرونده را به دادگاه یا دیوان بین‌المللی تقدیم نماید. در نتیجه احتمال اینکه دولت خواهان دست به اقدام‌های یکجانبه برای گردآوری دلیل بزند، فزونی می‌یابد. از نظر مایکل رایزمن و اریک فریدمن، در مواقعی که دولت خواننده در امر ارائه و جمع‌آوری ادله مورد نیاز پرونده همکاری‌های لازم را ندارد، دولت خواهان با معضل روبه‌رو خواهد شد. خواهان از یک سو باید حریم دولت خواننده را رعایت کند و از طرف دیگر، به ادله تحت اختیار دولت خواننده برای اثبات ادعای خویش احتیاج دارد و بدین ترتیب، دولت خواهان بر سر دوراهی و بلاتکلیفی قرار می‌گیرد.^{۲۸} از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، دیوان

23. Chen, Siyuan, "Re-assessing the Evidentiary Regime of the International Court of Justice: A Case for Codifying its Discretion to Exclude Evidence", *International Commentary on Evidence*, vol. 13, Issue 1, 2015, pp. 4-5.

24. Thirlway, Hugh, "Dilemma or Chimera? Admissibility of Illegally Obtained Evidence in International Adjudication", *American Journal of International Law*, vol. 78, Issue 3, 1984, pp. 623-624.

25. Acceptability

26. Chen, Siyuan, *op.cit.*, p. 33.

27. Reisman, W. Michael, Freedman, Eric E., *op.cit.*, p. 737.

28. مایکل رایزمن در مقاله خود، دوراهی پیش روی خواهان را این‌گونه بیان می‌کند: «حقیقتاً هیچ راهی پیش روی دولت خواهان برای مجبور کردن طرف مقابل خود برای تحویل ادله ضروری پرونده وجود ندارد. در نتیجه در حقوق بین‌الملل و همچنین در نظام‌های حقوقی داخلی، اعمال اجبار و فشار به معنای اقدامی یک‌جانبه برای تحصیل ادله قلمداد می‌شود. اما نکته مهم این است که روش‌های یک‌جانبه خود می‌توانند بدل به منبع اختلاف شوند».

بین‌المللی دادگستری در امر حقیقت‌یابی نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه است^{۳۹} و معتبردانستن تحصیل غیرقانونی دلیل به مثابه مشوقی برای دولت‌ها جهت مداخلات بیشتر در قلمرو سرزمینی به منظور کسب ادله است. نتیجه این‌گونه اقدام‌ها اختلاف‌های بیشتر خواهد بود. بنابراین قضات و علمای حقوق بین‌الملل باید سیاست‌های معطوف به قابلیت پذیرش دلیل در رسیدگی‌های بین‌المللی را شفاف‌سازی کنند.^{۳۰} برای تصمیم‌گیری در خصوص پذیرش و رد ادله تحصیل‌شده غیرقانونی، ضمن توجه به اصولی همچون تحقق عدالت و حسن‌نیت باید اقدام‌های بازدارنده در رابطه با تحصیل غیرقانونی ادله صورت گیرند تا بدین طریق یکپارچگی و انسجام رسیدگی قضایی حفظ شود و به دولت‌های طرف دعوا این پیام را بدهد که زمان گذشتن از تسلیم بی‌حد و حصر در مقابل دولت‌ها به‌عنوان اطراف دعوا فرارسیده است.^{۳۱}

در طرف مقابل، گروهی بر این عقیده‌اند که قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری در مقایسه با دادگاه‌های داخلی انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. از طرفی هم دیوان در مواجهه با موضوع ادله اثبات دعوا بسیار با احتیاط عمل می‌کند؛ بدین صورت که تمامی ادله ارائه‌شده را با نهایت دقت بررسی می‌نماید و آن‌ها را در قیاس با حقایق، شرایط و موضوع پرونده می‌سنجد.^{۳۲} البته بر اساس نظر این گروه از علمای حقوق بین‌الملل، دیوان می‌تواند در هر قضیه، در رویه خود بازبینی کند^{۳۳} و هر دلیل را مطابق با شرایط پرونده بسنجد و درباره پذیرش یا عدم پذیرش آن تصمیم‌گیری نماید.^{۳۴} آن‌ها معتقدند عنوان دادگاه یا دیوان بین‌المللی در خود مفاهیم مربوط به یک نهاد قضایی بین‌المللی را به همراه دارد و بدین ترتیب آن‌ها باید مطابق با کارویژه قضایی خود عمل کنند؛ به این معنی که اقدام‌های خود را بر مبنای هنجارهای بین‌المللی ارکان قضایی استوار سازند. به عقیده این گروه از صاحب‌نظران، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص ادله اثبات دعوا، امری رو به جلو و آینده‌نگرانه است و این رکن با ارائه روش‌های جدید تأمین

Ibid., p. 738.

29. Riddell, Anna, Plant, Brendan, *Evidence before the International Court of Justice*, British Institute of International and Comparative Law, 2009, p. 32.

آنا ریڈل و برندن پلنت، با بررسی نظرات جداگانه قضات دیوان در پرونده‌های متعدد به این نتیجه رسیدند که اکثر نظرات جداگانه و نظرات مخالف قضات شامل مواردی است که نسبت به عملکرد دیوان در بهره‌نبردن از اختیاراتش برای گردآوری دلیل، انتقادهایی را مطرح کرده‌اند. استفاده‌نکردن از چنین اختیاراتی منجر به ارزیابی به اشتباه دلیل و اتکا به ضابطه اثبات دعوا شده است.

30. Reisman, W. Michael, Freedman, Eric E., *op.cit.*, p. 752.

31. Higgins, Rosalyn, "Respecting Sovereign States and Running a Tight Courtroom", *The International & Comparative Law Quarterly*, vol. 50, No. 1, 2001, p. 124.

32. Tomka, Peter, Proulx, Vincent-Joel, "The Evidentiary Practice of the World Court", Working Paper 2015/010, National University of Singapore, 2015, p. 23.

33. *Jurisprudence Constante*

34. Riddle, Plant, *op.cit.*, p. 468.

ادله و پذیرفتن روش‌های بدیع فناورانه و خلاقانه در امر تأمین ادله اثبات دعوا گام مهمی به انجام رسانده است.^{۳۵} طبق آموزه‌های دو دسته از علمای حقوق بین‌الملل، دادگاه‌های بین‌المللی رویه آسان‌گیرانه‌ای در قبال ادله تحصیل‌شده غیرقانونی اتخاذ کرده‌اند و به‌جز چند استثنا در حقوق بین‌الملل کیفری،^{۳۶} اساسنامه و قواعد رسیدگی دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی در رابطه با قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی سکوت اختیار کرده‌اند. برخی اعتقاد دارند که این سکوت، زمینه آزادی عمل را برای دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی فراهم آورده است.^{۳۷}

۱-۲. قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری

دیوان بین‌المللی دادگستری این اختیار را دارد که آیین انجام وظایف و اختیارات و مخصوصاً قواعد رسیدگی خود را مطابق با اساسنامه‌اش پیش‌بینی کند.^{۳۸} اساسنامه دیوان فاقد قواعد بسیار دقیق درباره آیین دادرسی است و این امر حاشیه انعطاف‌پذیری گسترده‌ای را برای دیوان فراهم کرده است. به عقیده برخی با بررسی کارهای مقدماتی تشکیل دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری می‌توان به این نتیجه رسید که فراهم‌نمودن چنین حاشیه وسیعی از انعطاف‌پذیری با هدف خاصی صورت گرفته است.^{۳۹} دیوان بین‌المللی دادگستری در برخی از قضایا با موضوع

35. Tomka, Peter, Proulx, Vincent-Joel, *op.cit.*, p. 23.

36. در این زمینه به‌عنوان نمونه می‌توان به بند (د) ماده ۸۹ قواعد رسیدگی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و همچنین قاعده ۹۵ قواعد رسیدگی دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا اشاره کرد که بیان می‌داشتند «ادله به‌دست‌آمده مستقیماً یا به‌طور غیرمستقیم از طریق شیوه‌هایی که نقض جدی حقوق بشر بین‌المللی به شمار می‌آیند، قابل استماع نخواهند بود». بند هفتم ماده ۶۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز تصریح دارد که «دلیلی که با نقض این اساسنامه یا حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی تحصیل شده باشد، مسموع نیست. البته به شرط آنکه: الف) نقض مذکور، اعتبار آن دلیل را اساساً متزلزل کند، ب) پذیرش آن دلیل در تعارض با سلامت دادرسی بوده یا صحت آن را جدأً به مخاطره افکند».

37. Mansour Fallah, Sara, "The Admissibility of Unlawfully Obtained Evidence before International Courts and Tribunals", *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 19, Issue 2, 2020, p. 148.

38. Palchetti, Paolo, "Making and Enforcing Procedural Law at the International Court of Justice", *Question of International Law*, vol. 61, 2019, p. 3.

Statute of the International Court of Justice, Art. 30.

ن.ک:

39. رئیس «کمیته مشورتی حقوق‌دانان»، *بارون دکام*، در مورد عدم تدوین قواعد مشخص و با جزئیات قواعد رسیدگی اظهار داشت: «کمیته نباید قواعد رسیدگی دیوان را با جزئیات بسیار زیاد تنظیم کند. دیوان در مقررات داخلی خود به این موضوع خواهد پرداخت. آن دسته از قواعد رسیدگی که باید مورد رضایت دولت‌ها باشد باید فقط در مورد نکات اساسی باشد». در زمان تدوین اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، «کمیته میان‌متحدین غیررسمی»، دیدگاهی مشابه با سلف خود اتخاذ کرد و بیان داشت که بهتر است رسیدگی به قواعد رسیدگی دیوان از سوی خود آن رکن و به‌وسیله قواعد رسیدگی خود انجام شود.

برای اطلاعات بیشتر، ن.ک:

Palchetti, Paolo, *op.cit.*, p.7, cited from: P.C.I.J., Procès-Verbaux of the Proceedings of the Advisory Committee of Jurists, Van Langenhuysen, 1920, p. 248.

قابلیت پذیرش ادله تحصیل شده غیرقانونی مواجه شده است. از جمله قضایایی که به موضوع ادله تحصیل شده غیرقانونی مربوط هستند می‌توان به سه قضیه کانال کورفو، کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران و سکوهایی نفتی اشاره کرد. هرچند دیوان در این قضایا به موضوع قابلیت پذیرش ادله تحصیل شده غیرقانونی به صورت مستقیم نپرداخت، نحوه برخورد دیوان با این مسئله حائز اهمیت است. در این بخش، رویه دیوان و چگونگی برخوردش با مسئله قابلیت پذیرش ادله تحصیل شده غیرقانونی در سه قضیه نامبرده بررسی شود.

الف. قضیه کانال کورفو

این قضیه از جمله مهم‌ترین پرونده‌هایی است که در جریان آن موضوع ادله غیرقانونی تحصیل شده مطرح بود. کشتی‌های بریتانیایی در ۲۲ اکتبر ۱۹۴۶ هنگام عبور از تنگه کورفو و با داشتن حق عبور بی‌ضرر با مین برخورد کردند. این در حالی بود که دولت آلبانی وجود چنین مین‌هایی را اعلام نکرده بود. دولت انگلستان طی عملیاتی موسوم به Operational Retail در ۱۲ و ۱۳ نوامبر ۱۹۴۶ مبادرت به به آب‌های سرزمینی آلبانی ورود و کانال کورفو را مین‌روبی کرد. در ارتباط با ادعای بریتانیا دایر بر حق عبور بی‌ضرر، آلبانی استدلال کرد ترکیب کشتی‌ها، موقعیت سلاح‌های آن‌ها، حضور سربازان بر عرشه کشتی‌ها و تعداد سربازان ثابت می‌کند که عبور کشتی‌های جنگی بریتانیا بی‌ضرر نبود.^{۴۰} دیوان از بریتانیا خواست تا سندی با نام XCU^{۴۱} را که حاوی دستورهای مرکز فرماندهی نیروهای دریایی بریتانیا به فرمانده کشتی وولایژ^{۴۲} در ۲۳ اکتبر ۱۹۴۶ بود به دیوان تقدیم کند. نماینده بریتانیا به این علت که سند مذکور جزو اسرار نیروی دریایی بریتانیا است از تقدیم آن به دیوان خودداری کرد.^{۴۳} بعد از گذشت نیم‌قرن از قضیه کانال کورفو مشخص شد که از نظر مشاوران حقوقی وقت وزارت خارجه بریتانیا، با ارائه سند مذکور به دیوان، این احتمال وجود داشت که دیوان عبور ناوهای بریتانیایی از کانال کورفو را خصمانه تفسیر کند.^{۴۴} به بیان دیگر، دولت بریتانیا با عدم ارائه سند مذکور، از برملاشدن حقایق به‌طور کامل جلوگیری کرد.^{۴۵}

هنگام رسیدگی به قضیه در دیوان بین‌المللی دادگستری، بریتانیا جهت اثبات مسئولیت آلبانی در صدد استفاده از مین‌های جمع‌آوری شده در جریان عملیات مین‌روبی به‌عنوان دلیل بود. دیوان

40. *Corfu Channel, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania, I.C.J., Reports, 1949, p. 30.*

41. *The Use of the North Channel, Corfu, Short Title XCU.*

42. *Volage*

43. *Corfu Channel, op.cit., pp. 31-32.*

44. Carty, Anthony, "The Corfu Channel Case- And the Missing Admiralty Orders", *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 3, Issue 1, 2004, pp. 3-4.

45. *Ibid.*, pp. 28-29.

موضوع قانونی بودن عملیات مین‌روبی در نوامبر ۱۹۴۶ را به‌دقت بررسی کرد. توجیه بریتانیا در خصوص عملیات مین‌روبی منجر به برانگیختن کاربردی جدید و ویژه در خصوص نظریه «مداخله»^{۴۶} شد. از نظر دیوان، حق مداخله بر اساس دلایل ارائه‌شده از سوی بریتانیا منجر به سوءاستفاده دولت‌های قوی‌تر خواهد شد و اصل «خودیاری»^{۴۷} حتی در شرایطی که دولت آلبانی به وظایف خود پس از انفجار عمل نکرده باشد و یادداشت‌های دیپلماتیک را با تأخیر فرستاده باشد، کاربردی ندارد. دیوان به اتفاق آرا عملیات مین‌روبی نیروی دریایی بریتانیا را نقض حاکمیت آلبانی دانست. معهدا دیوان به موضوع قابلیت پذیرش ادله به‌دست‌آمده در اثر اقدام‌های نظامی بریتانیا که ناقض حاکمیت آلبانی بود، نپرداخت. بریتانیا با پنهان کردن اسناد و مدارک، از جریان رسیدگی سود جست و دیوان ادعای آلبانی مبنی بر بی‌ضرر نبودن عبور ناوهای بریتانیایی را رد کرد.^{۴۸} دیوان در این قضیه برای پاسخگویی به موضوع مسئولیت دولت آلبانی به ادله به‌دست‌آمده در جریان عملیات مین‌روبی بریتانیا در آب‌های سرزمینی آلبانی توجه کرد.^{۴۹} در قضیه کانال کورفو، مین‌های غیرقانونی جمع‌آوری‌شده در آب‌های سرزمینی دولت دیگر برای اثبات مسئولیت در اثر انفجار و خسارت به دیگران دارای قابلیت پذیرش هستند. به بیانی دیگر، در قضیه کانال کورفو، ادله تحصیل‌شده غیرقانونی قابلیت پذیرش دارند و تنها تفسیر اجرایی این جنبه از قضیه کانال کورفو می‌تواند این باشد که جمع‌آوری غیرقانونی ادله به‌عنوان نقض حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، اما هیچ نوع مجازاتی برای گردآوران این دسته از دلایل وضع نمی‌شود و همچنین ادله تحصیل‌شده غیرقانونی قابلیت پذیرش دارند.^{۵۰} به دیگر سخن، دیوان ارزش تمامی ادله ارائه‌شده را می‌سنجد و فقط به علت تحصیل غیرقانونی آن را رد نمی‌کند.^{۵۱} از نظر برخی متخصصان حقوق بین‌الملل، رویه دیوان در این قضیه نه قابل توضیح و نه قابل دفاع است.^{۵۲} اما در طرف مقابل، برخی بر این عقیده‌اند که رویه دیوان در این قضیه، «هم در نوع خود منطقی

46. Intervention

طبق این استدلال، دولت مداخله‌گر به منظور حفظ دلیل، اقدام به مداخله در سرزمین دولت دیگر می‌کند تا بدین ترتیب، ادله جمع‌آوری‌شده را به دادگاهی بین‌المللی ارائه دهد و موجب تسهیل عملکرد دادگاه شود. بریتانیا همچنین عملیات مین‌روبی انجام‌شده را به‌عنوان روشی برای حفاظت از خود و همچنین اصل «خودیاری» (Self Help) معرفی کرد.

47. Self-Help

48. Lalaj, Ana, "Burning Secrets of the Corfu Channel Incident", In: Ostermann, Christian F. (ed.), *The Cold War International History Project Working Paper Series*, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Working Paper No. 70, 2014, pp. 28-29.

49. Hasan Shah, Nasim, "Discovery by Intervention: The Right of a State to Seize Evidence Located within the Territory of the Respondent State", *The American Journal of International Law*, vol. 53, No. 3, 1959, p. 606.

50. Reisman, W. Micheal, Freedman, Eric E., *op.cit.*, pp. 747-748.

51. Highet, Keith, "Evidence, the Court and the Nicaragua Case", *American Journal of International Law*, vol. 81, No. 1, 1987, p. 46.

52. Chen, Siyuan, *op.cit.*, p. 18.

است و هم در مقایسه با هر قاعده رد دلیل دیگری با ماهیت بنیادی و اختیارات دادگاه‌های بین‌المللی هماهنگی بیشتری دارد.^{۵۳} لازم به ذکر است با اینکه دیوان به‌طور مشخص به موضوع قابلیت پذیرش مین‌های غیرقانونی جمع‌آوری شده توسط بریتانیا اشاره نکرد، در طول جریان دادرسی، آلبانی به‌عنوان خواننده، بحث غیرقابل پذیرش بودن مین‌های جمع‌آوری شده را مطرح نکرد.

ب. قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران

برخی از این قضیه به‌عنوان پرونده‌ای یاد می‌کنند که در آن موضوع ادله غیرقانونی تحصیل شده مطرح بود. در این قضیه ایالات متحده آمریکا علیه ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه دعوا کرد، اما دولت ایران در پیشگاه دیوان حاضر نشد و دعوای خود را در قالب نامه و از طریق کانال‌های دیپلماتیک ارسال کرد. محتوای نامه ارسالی ایران به دیوان بدین شرح است: «به منظور فاش‌ساختن مداخله ایالات متحده در امور داخلی ایران، ناگزیر از ورود به سفارت آمریکا بوده است».^{۵۴}

از نظر ایران، ورود به سفارت و مصادره اسناد باید در قالب شرایط موجود بررسی شود. ایران در ادامه نامه خاطرنشان می‌سازد که: «این موضوع نباید جداگانه بررسی شود... ایالات متحده به مدت ۲۵ سال در امور داخلی ایران مداخله مستمر داشته، کشورمان را استثمار کرده و در حق مردم ایران مرتکب جنایاتی برخلاف تمامی هنجارهای بین‌المللی و بشردوستانه شده است».^{۵۵} در رابطه با این قضیه این‌گونه استدلال شده است که محتوای نامه ارسالی ایران به دیوان در ۱۷ مارس ۱۹۸۰ حاکی از این مطلب است که به گفته ایران، ایالات متحده آمریکا به مدت ربع قرن در امور داخلی ایران دخالت داشته و به‌صورت غیرقانونی بر سیاست‌های ایران اثر گذاشته است و ادله مورد نیاز جهت اثبات این اتهام در داخل سفارت ایالات متحده در تهران قرار دارند. در مقابل، دیوان با الزام ایران به تحویل سفارت و محکوم کردن او به نقض حقوق دیپلماتیک، معتقد بود که ادله به‌دست‌آمده از داخل سفارت قابلیت پذیرش ندارند.^{۵۶} با این حال، بسیار دشوار است که از مجموعه رفتار ایران در قبال دیوان، به‌ویژه تصمیم به عدم حضور در جریان رسیدگی و همچنین طرح مشخص این استدلال از سوی ایران، بتوان این‌چنین برداشتی از مواضع ایران

53. Thirlway, Hugh, *op.cit.*, p. 641.

54. *U.S. Diplomatic and Consular Staff in Tehran, United States of America v. Iran, I.C.J., Judgment, 1980, para. 10.*

55. *Ibid.*

56. Reisman, W. Michael, Freedman, Eric E., *op.cit.*, pp.749-751.

ج. قضیه سکوه‌های نفتی

از دیگر قضایایی که موضوع قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در آن مطرح است، می‌توان به قضیه سکوه‌های نفتی اشاره کرد. در این قضیه ایالات متحده برای اثبات نقش ایران در مین‌گذاری‌های خلیج فارس به برخی اسناد و دلایلی استناد کرد که با نقض حقوق بین‌الملل به دست آمده بودند. بالگردهای امریکایی در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۷ با این ادعا که کشتی تجاری *ایران/اجر* در حال مین‌گذاری بود به آن حمله کردند.^{۵۸} ایالات متحده آمریکا در پی این اقدام‌ها، به مجموعه اسناد یافت‌شده از داخل کشتی *ایران/اجر* و همچنین مین‌های موجود در این کشتی استناد و ادعا کرد که ادله جمع‌آوری‌شده از کشتی *ایران/اجر* ثابت می‌کند که ایران در امر مین‌گذاری در آبراهه‌های بین‌المللی نقش داشته و از سکوه‌های نفتی به‌عنوان اهداف نظامی استفاده کرده است.^{۵۹}

ایران در واکنش به اقدام‌های ایالات متحده در ورود، بازرسی و توقیف کشتی *ایران/اجر*، رسماً آن را محکوم و از آن به‌عنوان نقض حقوق بین‌الملل یاد کرد. معینا ایران در جریان رسیدگی به موضوع، استدلالی در ارتباط با قابلیت پذیرش اسناد به‌دست‌آمده از داخل کشتی مطرح نکرد. دیوان در این قضیه بدون پرداختن به موضوع قابلیت پذیرش ادله به‌دست‌آمده از داخل کشتی *ایران/اجر*، به بررسی بار اثباتی آن پرداخت. رویه دیوان در این قضیه مشابه رویه پیشین دیوان در قضیه *کانال کورفو* بود.^{۶۰} این رویه دیوان، تفاسیر مختلفی را به دنبال داشته است. برخی معتقدند که دیوان ادله غیرقانونی تحصیل‌شده را در صورتی که اعتراضی نسبت به

۵۷. سادات میدانی؛ همان، ص ۱۳۵.

۵۸. سادات میدانی، سیدحسین؛ «مجموعه مقالات پیرامون: رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی، دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا، ادله اثبات دعوا در قضیه سکوه‌های نفتی»، دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱۵۶-۱۵۵.

59. *Oil Platforms, Islamic Republic of Iran v. The United States of America, I.C.J., Reports, 2003, paras. 63, 71, 74.*

مقامات ایالات متحده، دلیلی دائر بر اثبات اینکه کشتی ایرانی را حین انجام عملیات توقیف کرده‌اند، ارائه نمودند. پس از گذشت چند روز توقیف کشتی، آن را به بندر بی‌طرفی برده و منهدم کردند. دولت ایالات متحده اعلام کرد که حمله، توقیف و انهدام کشتی *ایران/اجر* بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و برای اعمال حق دفاع مشروع صورت گرفته است. از نظر ایران، حتی با قبول این فرض که کشتی ایران در حین مین‌گذاری توقیف شده باشد، باز هم ایالات متحده نمی‌تواند با استناد به دفاع مشروع، دست به اقدامی قهرآمیز بزند زیرا نمی‌توان عملیات مین‌گذاری را تجاوزی مسلحانه قلمداد کرد. ن.ک: ممتاز، جمشید؛ *ایران و حقوق بین‌الملل*، دادگستر، ۱۳۷۶، ص ۹۲.

۶۰. سادات میدانی؛ همان، ص ۱۳۶.

صحت آن‌ها وجود نداشته باشد، قابل پذیرش می‌داند.^{۶۱} از مجموع رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایایی که ذکر شد، این‌گونه برمی‌آید که هدف، تأمین آزادی عمل دیوان در زمینه پذیرش ادله بوده است.^{۶۲}

علی‌رغم انتقادهایی که گاه و بی‌گاه نسبت به دیوان وارد می‌شود، به نظر می‌رسد عملکرد دیوان در این حوزه نسبتاً بدون مشکل بوده است. برخی از مفسران، علت این امر را آزادی عمل گسترده دیوان در قدرت قاعده‌سازی برگرفته از اساسنامه می‌دانند^{۶۳} و برخی دیگر محافظه‌کاری بیش از اندازه دیوان را علت این نوع عملکرد قضایی می‌دانند.^{۶۴}

در سه قضیه فوق، موضوع تحصیل ادله به روش‌های غیرقانونی از سوی یکی از طرف‌های دعوا مطرح است؛ اما همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، مسئله اصلی در این مقاله، بحث قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده است. در این خصوص ذکر این نکته حائز اهمیت است که در موضوع تلگراف‌های افشاشده، طرف ثالثی که نقشی در اقدام افشاسازی نداشت، مبادرت به ارائه این قبیل تلگراف‌ها به‌عنوان ادله به دادگاه یا دیوان کرد. در ادامه رویه دادرسی‌های بین‌المللی غیرکیفری و کیفری در ارتباط با قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده بررسی خواهد شد.

۲. قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه قضایی بین‌المللی

موضوع استناد به اسناد ویکی‌لیکس در محاکم قضایی سؤال‌های بی‌شماری مربوط به قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده مطرح کرده است. برخی خواهان‌ها جهت پیشبرد پرونده خود در محاکم قضایی به تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس استناد کرده و کم و بیش در اثبات حقایق نیز موفقیت‌هایی هم داشته‌اند. پیشرفت فناوری اطلاعات و دسترسی به داده‌ها، چه به‌صورت قانونی و چه غیرقانونی به‌ناگزیر آینده‌ای را رقم می‌زند که در آن محاکم قضایی ناگزیرند که قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده را ارزیابی کنند. برخی انتظار دارند که رویکرد دادگاه‌های بین‌المللی در مواجهه با تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس

61. Kazazi, Mojtaba, Shifman, Bette E., "Evidence before International Tribunals-Introduction", *International Law Forum du Droit International*, vol. 1, No. 4, 1999, p. 206.

62. سادات میدانی؛ همان، ص ۱۳۶.

63. Andreas, Zimmermann et al., *The Statute of the International Court of Justice: Commentary*, Thirlway, Article 30, 2019, p. 731.

64. Rosenne, Shabtai, *The Law and Practice of the International Court 1920-2005*, Martinus Nijhoff Publishers, 4th Edition, 2006, p. 238.

قابلیت پذیرش ادله غیرقانونی در حقوق بین‌المللی: بررسی موردی اسناد ویکی‌لیکس ❖ ۲۴۱

همانند دادگاه‌های داخلی کشورهایی باشد که مستقیماً از افشای چنین اسنادی آسیب دیده‌اند.^{۶۵} در این بخش به منظور تبیین هرچه بهتر موضوع در نخستین بند رویه دادگاه‌های اروپایی در ارتباط با قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده، و سپس در بندهای بعدی، قابلیت پذیرش تلگراف‌های مذکور از منظر رویه دادرسی‌های کیفری بررسی خواهد شد.

۲-۱. قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

دیوان اروپایی حقوق بشر در دو قضیه با موضوع اسناد به تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده مواجه شد. لازم به ذکر است با وجود اینکه دیوان در رأی نهایی خود مستقیماً به تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده از سوی ویکی‌لیکس اشاره نکرد، به صورت مشخص هم چنین تلگراف‌هایی را غیرقابل پذیرش نخواند.^{۶۶}

در پرونده *المصری*،^{۶۷} خواهان ادعاهایی علیه نقش داشتن مقدونیه در اقدام سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده آمریکا به «تسلیم»^{۶۸} وی به بازداشتگاه سرّی مطرح کرد. آقای *المصری* شهروند آلمان بود و در راه سفر به شهر اسکوپیه دستگیر و به مدت ۲۳ روز در حبس بود. در طول مدتی که زندانی بود تحت شکنجه قرار گرفت و به مکانی در افغانستان برده و بار دیگر در آنجا شکنجه شد. ایالات متحده آمریکا در ۲۸ مه ۲۰۰۴ متوجه شد که *المصری* به اشتباه زندانی شده است و نهایتاً او را آزاد کرد. یک ماه بعد او در دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه دعوا کرد.^{۷۰} او استدلال خود را بر مبنای تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس قرار داد. طبق تلگراف‌های مذکور، نمایندگی‌های دیپلماتیک در مقدونیه، آلمان و اسپانیا گزارش وی را به وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا می‌دادند.^{۷۱} دیوان ضمن محکوم کردن مقدونیه بر اساس

65. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, "WikiLeaks and Beyond: Discerning an International Standard for the Admissibility of Illegally Obtained Evidence", *ICSID Review – Foreign Investment Law Journal*, vol. 33, Issue 1, 2018, p. 237.

66. *Ibid.*, p.245.

67. El-Masri

68. Central Intelligence Agency

69. Extraordinary Rendition or Irregular Rendition

70. *El-Masri v. Former Yugoslav Republic of Macedonia*, ECHR, Judgment, No. 39630/09, 2012.

71. *Ibid.*, para. 77.

در یکی از تلگراف‌ها مشاور امنیت ملی آلمان اظهار کرده بود: «حقایق مشخص‌اند و اقدام دادستان مونیخ در خصوص ارائه حکم بازداشت بین‌المللی عمل درستی بوده است». ن.ک:

U.S. Department of State Cable, Al-Masri Case – Chancellery Aware of U.S.G. Concerns, 6 February 2007.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر،^{۷۲} اعتبار اظهارات خواهان را دائر بر توصیف تاکتیک‌های سیا و همچنین یادآوری وی از زلزله در افغانستان که تأییدی است بر روایت و توضیح زمان‌بندی وی از وقایع رخ داده قبول کرد.^{۷۳} با اینکه دیوان به صورت مشخص به تلگراف‌های دیپلماتیک ارجاع نداد، سخنی دائر بر عدم قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس به عنوان دلیل و همچنین صلاحیت پذیرش آن‌ها نیز مطرح نکرد.^{۷۴}

قضیه مصری شباهت‌های بسیاری به قضیه النشیری^{۷۵} دارد. آقای النشیری، تبعه عربستان سعودی است و در عملیات «تسلیم»^{۷۶} که به صورت مشترک میان ایالات متحده آمریکا و لهستان در حال انجام بود، قربانی شد. وی در اکتبر ۲۰۰۲ در دبی دستگیر و در دسامبر ۲۰۰۲ با همدستی و تبانی مقامات لهستانی به زندان مخفی سیا در لهستان منتقل شد. بازجویان امریکایی پیش از انتقال او به ایالات متحده آمریکا در ژوئیه ۲۰۰۳ وی را شکنجه کردند.^{۷۷} او در مه ۲۰۱۱ نزد دیوان اروپایی حقوق بشر علیه لهستان اقامه دعوا کرد. وی به تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس استناد کرد و بر اساس تلگراف‌های مذکور، مقامات لهستانی را در عملیات تسلیم و انتقال وی به زندان‌های سری سیا شریک جرم دانست.^{۷۸}

دیوان اروپایی حقوق بشر، لهستان را به دلیل شرکت در عملیات سیا و نقض تعهداتش بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محکوم کرد. همانند قضیه مصری، دیوان به استفاده خواهان از اسناد ویکی‌لیکس در اظهارات خود اشاره‌ای نداشت. از سویی دیوان نسبت به استفاده از اسناد ویکی‌لیکس اعتراضی مطرح نکرد و در خصوص عدم قابلیت پذیرش آن‌ها به عنوان ادله، صراحتاً مخالفت خود را اعلام نکرد. با بررسی پرونده‌های ذکر شده و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اسناد ویکی‌لیکس در صورت ارائه به عنوان ادله در پیشگاه دیوان یادشده به صورت خودکار رد نمی‌شوند و عدم قابلیت پذیرش آن‌ها امری مفروض نیست.^{۷۹}

۷۲. دیوان اروپایی حقوق بشر، مقدونیه را به نقض تعهداتش بر طبق کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مانند ماده ۳ (منع شکنجه)، ماده ۵ (حق آزادی و امنیت)، ماده ۸ (حق احترام به زندگی شخصی و خانوادگی)، و ماده ۱۳ (حق جبران مؤثر) محکوم کرد.

73. *El-Masri v. Former Yugoslav Republic of Macedonia*, *op.cit.*, para. 157.

74. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, *op.cit.*, p. 246.

75. *Al Nashiri v. Poland*, ECHR, Application, No. 28761/11, 24 July 2014.

76. Rendition Operation

77. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, *op.cit.*, p. 246.

78. *Al Nashiri v. Poland*, *op.cit.*, 6 May 2011, para. 126.

79. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, *op.cit.*, p. 246.

۲-۲. قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه دیوان اروپایی

دادگستری

در قضیه بانک بین‌المللی پارسی،^{۸۰} خواهان بانکی بود که در بریتانیا به ثبت رسیده و بانک ملت جمهوری اسلامی ایران مالک ۶۰ درصد آن بود. شورای اروپایی در ژوئیه ۲۰۱۰ بانک ملت و بانک بین‌المللی پارسی را در فهرست نهادهای دخیل در برنامه اشاعه هسته‌ای ایران وارد کرد.^{۸۱} نام هر دو بانک در ضمیمه مقررات شورا که مربوط به اقدام‌های محدودکننده^{۸۲} علیه ایران در ۲۰۰۷ بود، قرار گرفت و در نتیجه وجوه و دارایی‌های اقتصادی بانک بین‌المللی پارسی مسدود شد.^{۸۳} این بانک از شورای اروپایی خواست در خصوص علت قرارگرفتن آن در فهرست اقدام‌های محدودکننده، اطلاعاتی ارائه دهد. شورا در پاسخ خاطرنشان کرد که ۶۰ درصد سرمایه‌گذاری بانک ملت در آن بانک، دلیل کافی برای قرارگرفتن آن در فهرست اقدام‌های محدودکننده است. در خصوص بانک ملت نیز شورای اروپایی توضیح داد که بانک ملت یک بانک دولتی است و در سلسله اقدام‌هایی جهت حمایت و تسهیل فعالیت‌های هسته‌ای و برنامه‌های موشکی ایران دخیل است.^{۸۴}

بانک بین‌المللی پارسی در خصوص اقدام‌های محدودکننده علیه آن که ناشی از رژیم تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران بود، اعتراض داشت. این بانک نزد دیوان اروپایی دادگستری علیه شورای اروپایی اقامه دعوا کرد و خواهان خارج‌شدن نام خود از فهرست اقدام‌های محدودکننده شورا بود. به عقیده خواهان، دلیل شورا برای قراردادن نام آن بانک در فهرست اقدام‌های محدودکننده، ناکافی، ناقص و بسیار مبهم بود.^{۸۵} خواهان به‌عنوان بخشی از ادعای خود با استناد به یکی از تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس مطرح کرد که اعضای اتحادیه اروپا تحت فشار ایالات متحده آمریکا دست به چنین اقدام‌هایی زده‌اند و مدعی بود که قانونی بودن اقدام‌های صورت‌گرفته و رویه اتخاذی آن‌ها محل تردید است.^{۸۶} شورای اروپایی و کمیسیون اروپا نسبت به اقامه دلیل خواهان اعتراض داشتند و همچنین استدلال کردند که نباید هیچ‌گونه ارزشی برای تلگراف‌های دیپلماتیک قائل شد.^{۸۷} دیوان به نفع خواهان عمل کرد و با

80. *Persia International Bank v. Council*, Case T-493/10, ECLI: EU: T: 2013:398.

81. Annex II to Council Decision, (CFSP) 2010/413/CFSP, 26 July 2010, Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Common Position, 2007/140/CFSP, 2010, OJ L195/39.

82. Restrictive Measures

83. Annex V to Council Regulation, No. 423/2007, 19 April 2007, Concerning Restrictive Measures Against Iran, 2007, OJ L103/1.

84. *Persia International Bank v. Council*, *op.cit.*, para. 5.

85. *Ibid.*, para. 45.

86. *Ibid.*, para. 89.

87. *Ibid.*, para. 90.

ارجاع به پرونده *دالمین علیه کمیسیون اروپا*^{۸۸} تأیید کرد که اصل غالب حقوق اتحادیه اروپا، ارزیابی بی‌حد و حصر دلیل است.^{۸۹} از نظر دیوان، تنها معیار مرتبط با ارزیابی، اعتبار دلیل است.^{۹۰} دیوان بر اهمیت اصل «دستان پاک»^{۹۱} تأکید و اعلام کرد از آنجا که خواهان در اقدام افشاسازی تلگراف‌های دیپلماتیک نقشی نداشته است، ماهیت غیرقانونی افشاسازی متوجه وی نیست؛ همچنین از آنجا که صحت ادله ارائه شده یعنی تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس از سوی ایالات متحده انکار نشده است، از اعتبار برخوردارند.^{۹۲}

استفاده از تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس، محدود به خواهان نیست و گاهی خوانده نیز قصد بهره‌بردن از چنین اطلاعات افشاشده‌ای را دارد. از دیگر قضایای مرتبط با ویکی‌لیکس می‌توان به قضیه *المتری*^{۹۳} اشاره کرد. آقای *المتری* تبعه تانزانیا است و به دنبال مسدود شدن دارایی‌هایش در نتیجه اقدام‌های محدودکننده شورای اروپایی، علیه شورا در دیوان اروپایی دادگستری اقامه دعوا کرد. خواهان مدعی بود که طبق ماده (۱) تصمیم شورای اروپایی، مبنای مسدود کردن دارایی‌هایش قابل قبول نیست. شورای اروپایی به این موضوع استناد کرد که پرونده فرد خواهان از سوی مقامات تانزانیا به دلیل اقدام به پولشویی تحت رسیدگی قضایی است و این موضوع با اختلاس از وجوه دولت تانزانیا در ارتباط است.^{۹۴} دلیل شورای اروپایی برای قراردادن نام *المتری* در فهرست اقدام‌های محدودکننده این بود که شورا باید برای مسدود کردن دارایی‌های خواهان، وقایع حال حاضر را بسنجد و اطلاعات موجود را بررسی کند. اطلاعات موجود شامل اطلاعات منتشرشده ویکی‌لیکس نیز می‌شود.^{۹۵} شورای اروپایی به صورت مستقیم

88. *Dalmine v. Commission*, Case T-50/00, ECR II-2405, 2004.

89. *Persia International Bank v. Council*, *op.cit.*, para. 95.

90. *Dalmine v. Commission*, 2004, *op.cit.*, para. 72.

91. Clean Hands

92. *Persia International Bank v. Council*, *op.cit.*, paras. 95, 96.

دیوان در تصمیم خود اعلام کرد: «با وجود اینکه تعدادی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در معرض فشار دیپلماتیک بوده‌اند، این موضوع به خودی خود موجب تأثیر بر اقدامات شورا یا ارزیابی شورا در هنگام تصویب چنین اقداماتی نمی‌شود».

اگرچه دیوان ادعای خواهان در خصوص فشار دیپلماتیک را رد کرد، سایر ادعاهای خواهان از جمله ارزیابی ناقص شورا را مدنظر قرار داد و به همین دلیل، تصمیمات شورای اروپایی در مورد بانک بین‌المللی پارسیان را باطل دانست. دیوان دادگستری اروپایی در دو پرونده دیگر از سلسله دعاوی گروهی از بانک‌ها علیه شورای اروپایی، بانک صادرات و بانک ملت نیز رویه‌ای مشابه پرونده بانک بین‌المللی پارسیان اتخاذ کرد. ن.ک:

Bank Saderat Iran v. Council, Case T-494/10, ECLI: EU: T: 2013:59.

Bank Mellat v. Council, Case T-496/10, ECLI: EU: T: 2013:39.

93. Fahed Mohamed Sakher Al Matri.

94. *Al Matri v. Council*, Case T-200/11, ECLI: EU: T: 2013:275, para. 47.

95. *Ibid.*, para. 71.

اسناد افشاشده ویکی‌لیکس گواهی هستند بر اینکه خواهان دارای عمارت بسیار بزرگی است و عمارت مذکور از سوی دولت تانزانیا از صاحبش مصادره شده و جهت استفاده شخصی به فرد خواهان اعطا شده است. یکی دیگر از تلگراف‌های دیپلماتیک

۲۴۵ ❖ قابلیت پذیرش ادله غیرقانونی در حقوق بین‌المللی: بررسی موردی اسناد ویکی‌لیکس

به تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس اشاره نکرد، بلکه در طرح استدلال خود به مطالب منتشرشده در اینترنت در ۸ دسامبر ۲۰۱۰ استناد کرد.^{۹۶}

دیوان در ابتدای امر نسبت به تشریح این موضوع که آیا در زمان تصمیم‌گیری شورا، تلگراف‌های دیپلماتیک قابل دسترسی بوده‌اند، مبادرت ورزید.^{۹۷} از آنجا که قانونی بودن تصمیم به مسدودکردن دارایی‌ها باید در سایه اطلاعات در دسترس شورا در زمان تصویب بررسی شود، دیوان در تصمیم‌گیری نهایی خود اعلام داشت: «الف) دسترسی شورا به تلگراف‌های دیپلماتیک در تاریخ تصمیم‌گیری این نهاد نسبت به مسدودکردن دارایی‌های خواهان محرز نیست؛^{۹۸} و ب) در هر پرونده‌ای، حتی اگر حقایق موجود در تلگراف‌های دیپلماتیک مورد نظر توجه شورا را پیش از تصمیم‌گیری به خود جلب نماید، این به خودی خود دلیل کافی دائر بر ارتباط فعالیت‌های پولشویی یا اختلاس وجوه دولتی نیست.»^{۹۹} در نتیجه، دیوان تصمیم شورا را ملغی اعلام کرد.

۲-۳. قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه دادگاه ویژه

سیرالتون

در جریان دادرسی چارلز تیلور، رئیس‌جمهور سابق لیبریا، وکیل مدافع وی، یک سری اسناد شامل تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده را به‌عنوان دلیل به دادگاه ویژه سیرالتون ارائه کرد.^{۱۰۰} اولین تلگراف در ۱۰ مارس ۲۰۰۹ مشخصاً بر این مطلب صحه می‌گذارد که دولت ایالات متحده آمریکا خواهان دورنگه‌داشتن چارلز تیلور از لیبریا به هر قیمتی است.^{۱۰۱} تلگراف دوم در ۱۵ آوریل

افشاشده ویکی‌لیکس نشان می‌دهد که خواهان حضور فعالی در جامعه دیپلماتیک داشته و همچنین تلاش‌هایی جهت انعقاد قراردادی میان رژیم و سفرای مهم به عمل آورده است.

96. *Ibid.*, para. 72.

ویکی‌لیکس تلگراف‌های دیپلماتیک مربوط به *المتری* را در ۷ دسامبر ۲۰۱۰ منتشر کرد و در روزهای پس از آن، بسیاری از وبسایت‌ها اقدام به بازتولید آن‌ها کردند. درخواست شورا از دیوان، پذیرش اطلاعات افشاشده ویکی‌لیکس بود.

97. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, *op.cit.*, p. 245.

98. *Al Matri v. Council*, *op.cit.*, para. 72.

99. *Ibid.*, para. 73.

100. *Prosecutor v. Taylor*, The Special Court for Sierra Leone, Decision on the Urgent and Public with Annexes A-C, Defense Motion to Re-Open its Case in Order to Seek Admission of Documents Relating to the Relationship between the United States Government and the Prosecution of Charles Taylor, Case No. SCSL-03-01-T-1171, 27 January 2011, para. 7.

101. Cobain, Ian, "CIA Rendition: More Than a Quarter of Countries 'Offered Covert Support'", *The Guardian*, 5 February 2013.

یکی از تلگراف‌های سری به نقل از سفیر ایالات متحده آمریکا، *لیندا توماس گرینفیلد* بیان می‌دارد: «بهترین کاری که ما می‌توانیم برای لیبریا انجام دهیم این است که تیلور را برای مدتی طولانی کنار بگذاریم. نمی‌توانیم اجرای اقدامات بعدی را به دلیل نتایج دادرسی حاضر به تأخیر بیندازیم. باید تمامی گزینه‌های حقوقی ملاحظه شود تا تضمینی مبنی بر عدم بازگشت

۲۰۰۹ حاوی اطلاعاتی است دائر بر اینکه اطلاعات محرمانه در مورد جریان دادرسی از سوی شخصی که نام او معلوم نیست، از سوی شعبه محاکمه و دفتر دادستانی و دفتر ثبت پرونده به سفارت ایالات متحده درز پیدا کرده است.^{۱۰۲} وکیل مدافع خواستار بازشدن مجدد پرونده و همچنین پذیرش قسمتی از تلگراف دیپلماتیک افشاشده در مارس ۲۰۰۹ به‌عنوان ادله ذیل قاعده مکرر قواعد رسیدگی دادگاه ویژه بود. از نظر وکیل مدافع، انگیزه پیگرد چارلز تیلور، سیاسی است و جریانی عمدی شکل گرفته است تا او را از غرب آفریقا دور نگاه دارد.^{۱۰۳}

شعبه رسیدگی به منظور بازکردن دوباره پرونده، خواهان برآورده‌شدن دو شرط بود. نخست اینکه امکان تحصیل ادله جدید در زمان رسیدگی پرونده ممکن نبود و دوم اینکه در صورت برآورده‌شدن شرط نخست، ارزش اثباتی ادله جدید نباید بر نیاز به تضمین دادرسی منصفانه غالب باشد.^{۱۰۴} جهت برآوردن نخستین شرط، وکیل مدافع اظهار داشت که تلگراف‌های مورد ادعا جزو اسناد طبقه‌بندی‌شده و محرمانه دولت ایالات متحده بوده‌اند. انتشار متن عذرخواهی سفیر ایالات متحده به دنبال درز این تلگراف‌ها و انتشار آن‌ها در روزنامه‌ها بوده است. در نتیجه، تحصیل این تلگراف‌ها از سوی وکیل مدافع از طریق تارنمای ویکی/لیکس و روزنامه گاردین بود و این اقدام پنج هفته پس از بسته‌شدن پرونده یعنی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ صورت گرفت.^{۱۰۵} در حقیقت، وکیل مدافع با توجه به دو تلگراف دیپلماتیک مدعی است که تیلور از محاکمه‌ای منصفانه برخوردار نیست. وی همچنین معتقد است که عنصر ارتباط در مورد تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده صدق می‌کند زیرا متن دو تلگراف از موضع وکیل مدافع، دائر بر اینکه پیگرد تیلور اقدامی سیاسی و کیفرخواست وی امری گزینشی است، حمایت می‌کند. اعتبار محتوای تلگراف‌های دیپلماتیک با توجه به این حقیقت که از وزارت خارجه ایالات متحده نشأت می‌گیرند، تقویت می‌شود.^{۱۰۶}

از نظر شعبه رسیدگی، ماده ۹۲ مکرر اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، اجازه پذیرش اطلاعات

تیلور و بی‌ثباتی لیبریا باشند. پرونده‌سازی علیه تیلور در ایالات متحده به جرائم مالی همچون کلاهبرداری می‌تواند بهترین راه‌حل باشد».

102. The Guardian, "US Embassy Cables: The Protracted Case against Charles Taylor", 15 April 2009, at: <<https://www.theguardian.com/world/us-embassy-cables-documents/202468>>, last seen 28th July 2020.

طبق نظر وکیل مدافع، دومین تلگراف افشاشده، بی‌طرفی دادگاه ویژه سیرالئون را زیر سؤال می‌برد. بر اساس تلگراف مذکور، یکی از قضات، عمداً جریان دادرسی را کند کرده است تا اطمینان حاصل کند که در زمان ارائه رأی دیوان، او رئیس شعبه دادرسی باشد.

103. *Ibid.*, para. 4.

104. *Prosecutor v. Taylor, op.cit.*, Decision on Public with Confidential Annexes A and B, Prosecution Motion to Call Three Additional Witnesses, Case No. SCSL-03-01-T-993, 29 June 2010, para. 8.

105. *Prosecutor v. Taylor, op.cit.*, Decision on the Urgent and Public with Annexes A-C, para.12.

106. *Prosecutor v. Taylor, op.cit.*, Defense Opening Statement, 13 July 2009, p. 24321.

را در مورد حقیقت و نه عقیده که به صورت اسناد یا ارتباطات الکترونیکی باشند، می‌دهد؛ البته به این شرط که اطلاعات مزبور به حقایق پرونده مرتبط و همچنین اعتبار آن‌ها نیز قابل تأیید باشد.^{۱۰۷} عبارت‌پردازی ماده مذکور جهت شفاف‌سازی این نکته است که اعتبار از پیش شرط‌های قابلیت پذیرش نیست؛ تمام آنچه نیاز است این است که اطلاعات، ظرفیت حمایت موضوع مورد ادعا را داشته باشند. تصمیم‌گیری در این مورد بر عهده شعبه رسیدگی است.^{۱۰۸} از نظر شعبه رسیدگی، وکیل مدافع دو پیش‌شرط مورد نیاز را برای بازکردن مجدد پرونده برآورده کرده است.^{۱۰۹} بدین ترتیب، شعبه رسیدگی تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده را به‌عنوان دلیل پذیرفت و استدلال خود را به شرح زیر مطرح کرد: «دو تلگراف دیپلماتیک دولت ایالات متحده که از سوی وکیل مدافع ارائه شده‌اند پیش‌شرط‌های مورد نیاز ذیل ماده (B) و (A) ۹۲ را دارا هستند. به بیان دیگر، دو تلگراف مذکور، قصد اثبات عمل یا اقدام‌های فرد متهم را ندارند و از سوی دیگر با هدف ارائه‌شان ارتباط دارند و در نهایت، اعتبارشان قابل تأیید است».^{۱۱۰}

۲-۴. قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در رویه دادگاه ویژه

لبنان

در پرونده دادستان علیه سلیم جمیل عیاش و دیگران،^{۱۱۱} وکیل مدافع مصطفی امینه بدرالدین^{۱۱۲} در حین شهادت فؤاد سینیورا^{۱۱۳} و ولید جمبلات^{۱۱۴} به دو تلگراف دیپلماتیک افشاشده استناد کرد. تلگراف‌های مورد استناد وکیل مدافع در ۶ ژوئیه ۲۰۰۷ و ۸ آوریل ۲۰۰۸ حاکی از ملاقات‌هایی میان سیاستمداران لبنانی با دیپلمات‌های امریکایی هستند.^{۱۱۵} متعاقب اعتراض دادستان به قابلیت پذیرش تلگراف مذکور، شعبه رسیدگی از وکیل مدافع خواست دلایل استناد خود به این تلگراف را به صورت کتبی ارائه دهد.

107. Statute of Special Court of Sierra Leone, Rule 92bis (B).

108. *Prosecutor v. Charles Taylor, op.cit.*, Decision on The Urgent And Public With Annexes 1-C, Trial Chamber, 2011, p. 4.

109. نخست اینکه پرونده چارلز تیلور در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۰ بسته شد و دو تلگراف دیپلماتیک دولت ایالات متحده در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ در روزنامه گاردین چاپ شدند. پیش‌شرط دوم این است که پذیرش این اسناد، تأثیری بر منصفانه‌بودن دادگاه ندارد زیرا وکیل مدافع به دنبال ارائه ادله شفاهی نیست و هرکدام از طرف‌ها می‌توانند در صورت ضرورت، ادله تکمیلی در رابطه با اسناد عرضه کنند.

110. *Ibid.*, p. 5.

111. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al.*, Special Court of Lebanon, 2015.

112. Mustafa Amine Badreddin

113. Fouad Siniora

114. Walid Jumblatt

115. تلگراف مورد استناد، حاکی از ملاقات سفیر ایالات متحده در بیروت، جفری فلتمن (Jeffrey Feltman) با وزیر دادگستری لبنان، چارلز ریزق (Charles Rizk) بود.

وکیل مدافع، درخواست کتبی جهت پذیرش تلگراف دیپلماتیک را به‌عنوان دلیل مطرح^{۱۱۶} و خاطرنشان کرد که هیچ مانعی برای پذیرش تلگراف دیپلماتیک افشاشده مورد نظر وجود ندارد و تعیین ارزش محتوای سند ارائه‌شده نیز در زمره اختیارات شعبه رسیدگی است. وی به منظور تبیین اصالت تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده، در نخستین گام به سخنرانی‌های خانم هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده آمریکا،^{۱۱۷} و در گام دوم به محکومیت بردلی منینگ،^{۱۱۸} شخصی که اطلاعات محرمانه را به ویکی‌لیکس داد، استناد کرد.^{۱۱۹}

در مرحله بعد، وکیل مدافع در صدد بود تا قابلیت پذیرش تلگراف دیپلماتیک افشاشده را ذیل قواعد رسیدگی دادگاه ویژه لبنان اثبات کند. از نظر وی، تلگراف دیپلماتیک افشاشده مورخ ۶ ژوئیه ۲۰۰۷، شرایط قابلیت پذیرش ذیل قاعده ۱۴۹(C) یعنی عناصر ارتباط و ارزش اثباتی را دارد. وکیل مدافع اظهار داشت که تلگراف دیپلماتیک مورد نظر دارای عنصر ارتباط است زیرا به مسائل مربوط به شهادت *فؤاد سینیورا* مرتبط است. از نظر وی، استفاده از تلگراف دیپلماتیک مذکور برای تأیید اعتبار شهادت صورت گرفته مفید خواهد بود و همچنین نخست‌وزیر سابق، *فؤاد سینیورا* در جایگاهی است تا با توجه به متن تلگراف دیپلماتیک در مورد ملاقات یکی از اعضای دولت خود نظر بدهد.^{۱۲۰}

116. *Prosecutor v. Ayyash et al.*, STL, Request for the Admission of a Document and Submissions in favor of the Admissibility of Diplomatic Cables Published on the WikiLeaks Website, Case No. STL-11-01/T/TC, 17 April 2015, para. 1-2.

117. Clinton, Hillary, Remarks to the Press on Release of Purportedly Confidential Documents by WikiLeaks, U.S. Department of State, 29 November 2010.

خانم کلینتون در یکی از سخنرانی‌های خود پس از اقدام افشاسازی ویکی‌لیکس بیان داشت: «در مورد تلگراف‌های به‌اصطلاح دزدیده‌شده، نه نظری دارم و نه آن را تأیید می‌کنم اما می‌توانم اعلام کنم که ایالات متحده عمیقاً از افشای هرگونه اطلاعاتی که قرار بود محرمانه بماند متأسف است. اقدامات بسیار سختگیرانه‌ای علیه افرادی که مسئول دزدیده‌شدن چنین اطلاعاتی بودند اتخاذ خواهد شد». خانم کلینتون در سخنرانی دیگری نیز از افشای تلگراف‌های دیپلماتیک ابراز تأسف کرد و اظهار داشت: «شخصی در درون دولت ایالات متحده که به چنین اطلاعاتی دسترسی داشته است اطلاعات مزبور را به فرد دیگری که نباید به این اطلاعات دسترسی داشته باشد داده است. این اقدام، جرم است و ما در حال بررسی این جرم هستیم. طبق سخنان کلینتون، اساساً اقدام ویکی‌لیکس دزدی است و اسناد دولتی به سرقت رفته‌اند. ن.ک:

Clinton, Hillary, Consulate General of the United States, Eurasian University in Astana, Kazakhstan, 30 November 2010.

Crowley, Philip J., Daily Press Briefing, U.S. Department of State, 1 December 2010.

Clinton, Hillary, Remarks by Secretary of State, Clinton on Internet Freedom, U.S. Department of State, 15 February 2011.

118. Bradley Manning

119. *United States v. Manning. Bradley E.*, United States Army First Judicial Circuit, P.F.C., Special Findings, 15 August 2013.

دادگاه نظامی آمریکا در ژوئیه ۲۰۱۳ بردلی منینگ را به دلیل افشای اطلاعات طبقه‌بندی‌شده برای سازمان ویکی‌لیکس محکوم کرد. دادگاه بر اساس یافته‌های خود در ۱۵ اوت ۲۰۱۳ صراحتاً دامنه و منبع تلگراف‌ها را و اینکه این تلگراف‌ها به ویکی‌لیکس داده شده‌اند، تأیید کرد.

120. *Ibid.*, para. 28.

شعبه رسیدگی در ۲۱ مه ۲۰۱۵ تصمیم خود را در خصوص قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس حول دو محور بنا نهاد و در ابتدای امر به بحث ارتباط تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده و موضوع پرونده پرداخت و در دومین محور، اعتبار این تلگراف‌ها را ذیل قواعد رسیدگی خود بررسی کرد. شعبه رسیدگی به این نتیجه رسید که ممکن است موضوع هر دو تلگراف دیپلماتیک افشاشده ویکی‌لیکس با جریان رسیدگی و پرونده وکیل مدافع ارتباط داشته باشد^{۱۲۱} اما از طرفی سینیورا شهادت داده است که هیچ اطلاعی از قرار ملاقات صورت گرفته نداشته و این موضوع، کارایی تلگراف دیپلماتیک افشاشده را کاهش می‌دهد و سند مورد نظر فقط در حد شایعه است.^{۱۲۲} شعبه رسیدگی بیان کرد که مدرکی دال بر اینکه دولت ایالات متحده، تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده، مخصوصاً دو تلگراف مورد ادعای وکیل مدافع را تأیید کرده باشد، نیافته است. به‌علاوه وکیل مدافع این موضوع را که چگونه نظرات عمومی در مورد منشأ اسناد ویکی‌لیکس، گزارش‌های روزنامه، نظرات سیاستمداران و محکومیت سرباز سابق ایالات متحده به علت افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده را که موجب اثبات صحت اسناد دیپلماتیک می‌شوند، ثابت نکرده است.^{۱۲۳}

شعبه رسیدگی بر طبق قواعد رسیدگی خود، دلیلی را که دارای ارزش اثباتی است دریافت می‌کند^{۱۲۴} و اگر به این نتیجه برسد که ارزش اثباتی دلیل به طرز اساسی نسبت به نیاز به دادرسی منصفانه ارجحیت دارد، دلیل مزبور را رد می‌کند.^{۱۲۵} شعبه در نهایت، قابلیت پذیرش دلیلی را که به روش‌هایی تحصیل شده است که اعتبار آن محل شک است و همچنین منجر به آسیب‌رساندن به تمامیت اقامه دعوا می‌شود، مردود اعلام می‌کند.^{۱۲۶} از آنجا که تلگراف‌های

121. *Ibid.*

تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده نشان می‌دهند که دولت سینیورا در امر پرونده‌سازی چهار ژنرال مداخله کرده است و در نتیجه این موضوع، تحرکات و ترفندهای دولت را در امر پرونده‌سازی روشن می‌سازد. از سوی دیگر، امر مداخله دولت در پرونده‌سازی حاکی از این است که ممکن است سینیورا به‌شخصه تلاش‌هایی جهت تحت تأثیر قرار دادن عدالت برای اهداف سیاسی به کار برده باشد. ن.ک:

The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al., op.cit., Badreddine Reply, para. 3.

122. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al., op.cit., Decision on the Admissibility of Documents Published on the WikiLeaks Website, para.18.*

123. *Ibid.*, paras. 24-27.

124. Rules of the Special Tribunal for Lebanon, Art 149(C).

125. *Ibid.*, Art 149(D).

قاعده (E)(149) نیز به شعبه رسیدگی اجازه می‌دهد تا در صورتی که دلیلی خارج از دادگاه ارائه شده باشد، تأیید اعتبار آن را درخواست کند.

126. *Ibid.*, Art 162.

شعبه رسیدگی معتقد است که وکیل مدافع همچنین نتوانست ذیل قاعده (E)(149) صحت ادله به‌دست‌آمده از خارج از دادگاه را اثبات کند.

دیپلماتیک به روش‌های غیرقانونی تحصیل شده است، با توجه به قواعد رسیدگی و ادله اثبات دعوی دادگاه ویژه لبنان قابلیت پذیرش ندارند و از نظر شعبه رسیدگی، بدون ارجاع به سند فقط می‌توان سؤال‌هایی در مورد فحوی آن مطرح کرد؛ اما تا زمانی که قابلیت پذیرش تلگراف‌های مورد نظر تأیید نشده باشد، وکیل مدافع نمی‌تواند مستقیماً به آن‌ها ارجاع دهد.^{۱۲۷}

نتیجه

برخی دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به موضوع قابلیت پذیرش ادله تحصیل‌شده غیرقانونی در اساسنامه یا در قواعد رسیدگی خود اشاره کرده‌اند. این در حالی است که هیچ ماده یا قاعده‌ای در اساسنامه و قواعد رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری که مستقیماً به ادله تحصیل‌شده غیرقانونی مربوط باشد، وجود ندارد. لکن از بررسی رویه دیوان بین‌المللی دادگستری این‌گونه برمی‌آید که دیوان در صورت مواجهه با ادله تحصیل‌شده غیرقانونی، مسئله قابلیت پذیرش این دسته از دلایل را معمولاً به صورت مستقیم و مشخص بررسی نمی‌کند. با توجه به رویه این رکن قضایی ملل متحد در قضایای *کانال کورفو* و *سکوهایی نفتی* می‌توان دریافت که دیوان در صدد است تا آزادی عمل خود را در ارتباط با ارزشیابی ادله اثبات دعوا حفظ کند.

در ارتباط با قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده در دادرسی‌های بین‌المللی، افرادی خواهان پذیرش این دسته از تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده به‌عنوان ادله هستند که نقشی در عمل افشاسازی نداشته‌اند و این اقدام توسط شخص ثالثی به وقوع پیوسته است. به دیگر سخن، با وجود اینکه تلگراف‌های دیپلماتیک ذیل کنوانسیون روابط دیپلماتیک مصون از تعرض هستند، اقدام افشاسازی نه از سوی یک دولت، بلکه به‌وسیله افرادی که رفتارشان در آن زمینه تابع حقوق بین‌الملل نیست صورت پذیرفته است. از بررسی رویه قضایی بین‌المللی در ارتباط با قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده می‌توان گفت که پراکندگی در رویه قضایی وجود دارد.

با بررسی رویه دیوان دادگستری اروپایی و دیوان اروپایی حقوق بشر، این‌گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که دادرسی‌های مذکور به صورت مستقیم به موضوع قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده ورود نکرده‌اند، هرچند که قابلیت پذیرش آن‌ها را نیز رد ننموده‌اند. دادگاه ویژه سیرالئون و دادگاه ویژه لبنان، هر دو بحث قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده را ذیل قواعد رسیدگی خود ارزیابی کرده‌اند و به دو نتیجه متفاوت دست یافته‌اند. دادگاه ویژه سیرالئون، استدلال‌های وکیل مدافع دائر بر دارابودن عنصر ارتباط و اعتبار تلگراف‌های

127. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al., op.cit.*, Decision on the Admissibility of Documents Published on the WikiLeaks Website, pp. 86-89.

دیپلماتیک افشاشده را قبول کرد و تلگراف‌های مذکور را به‌عنوان دلیل پذیرفت. در مقابل، شعبه رسیدگی دادگاه ویژه لبنان، موضوع قابلیت پذیرش تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده را به‌صورت جزئی‌تر بررسی کرد و در نهایت به این نتیجه رسید که در صورتی که ادله ارائه‌شده به روش‌هایی تحصیل شده باشد که اعتبار آن‌ها مورد تردید باشد یا اینکه پذیرش آن‌ها معارض با سلامت دادرسی بوده یا صحت آن را جداً به مخاطره افکند، قابلیت پذیرش ندارد. با توجه به وجوه چالش‌برانگیز تلگراف‌های دیپلماتیک افشاشده، همچون ارائه آن‌ها از سوی افراد ثالث و انتشار آن‌ها به‌صورت گسترده، به‌طوری که به‌صورت دانش عمومی درآمده‌اند و از طرفی، لزوم حفظ مصونیت مکاتبات و اسناد دیپلماتیک، دادرسی‌های قضایی بین‌المللی در صددند تا موضوع را بر اساس شرایط و مقتضیات هر قضیه بسنجند به جای اینکه به‌صورت قاطع در خصوص قابلیت پذیرش آن‌ها حکم دهند. با توجه به توسعه ارتباطات و امکانات مداخلات سایبری و فنی کشورها و افراد و جمع‌آوری ادله از طرق غیرقانونی، به نظر می‌رسد در آینده باید شاهد طرح بیشتر موضوع ادله غیرقانونی بود.



منابع:

الف. فارسی

- کتاب

۱. ذوالعین، پرویز؛ حقوق دیپلماتیک، چاپ ششم، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، ۱۳۹۴.
۲. سادات میدانی، سیدحسین؛ دیوان بین‌المللی دادگستری ادله اثبات دعوا، جنگل، ۱۳۹۱.
۳. ممتاز، جمشید؛ ایران و حقوق بین‌الملل، دادگستر، ۱۳۷۶.
۴. میرعباسی، سیدباقر و سیدحسین سادات میدانی؛ دیوان بین‌المللی دادگستری در تئوری و عمل، جلد ۳، جنگل، ۱۳۸۴.

- مقاله

۱. سادات میدانی، سیدحسین؛ «مجموعه مقالات پیرامون رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی دعوا جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا»، دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۶، ۱۳۸۴.

ب. انگلیسی

- Books

1. Aguilar Mawdsley, Andrés, "Evidence before the International Court of Justice", In: Macdonald, Ronald St. John (ed.), *Essays in Honour of Wang Tieya*, Dordrecht, Boston and London, Martinus Nijhoff, 1994.
2. Aust, Anthony, *Handbook of International Law*, Oxford University Press, 3rd Edition, 2010.
3. Behrens, Paul, *Diplomatic Law in a New Millennium*, Oxford University Press, 2017.
4. Denza, Eileen, *Diplomatic Law*, Oxford University Press, 3rd Edition, 2008.
5. Feller, A.H., *The Mexican Claims Commission 1923-1934*, New York, 1935.
6. Riddell, Anna, Plant, Brendan, *Evidence before the International Court of Justice*, British Institute of International and Comparative Law, 2009.
7. Rosenne, Shabtai, *The Law and Practice of the International Court 1920-2005*, Martinus Nijhoff Publishers, 4th Edition, 2006.
8. Zimmermann, Andreas, et al. (eds.), *The Statute of the International Court of Justice*, Oxford University Press, 2012.

- Articles

1. Bertrou, Gregoire, Alekhin, Sergey, “The Admissibility of Unlawfully Obtained Evidence in International Arbitration: Does the End Justify the Means?”, *The Paris Journal of International Arbitration*, 2018.
2. Blair, Cherie, Vidak Gojkovic, Ema, “WikiLeaks and Beyond: Discerning an International Standard for the Admissibility of Illegally Obtained Evidence”, *ICSID Review – Foreign Investment Law Journal*, vol. 33, Issue 1, 2018.
3. Boykin, James, Malik, Havalic, “Fruits of the Poisonous Tree: The Admissibility of Unlawfully Obtained Evidence in International Arbitration”, *Transnational Dispute Management*, 2014.
4. Brower, Charles N., “Evidence before International Tribunals: The Need for Some Standard Rules”, *International Lawyer*, vol. 28, No. 1, 1994.
5. Carty, Anthony, “The Corfu Channel Case- And the Missing Admiralty Orders”, *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 3, Issue 1, 2004.
6. Chen, Siyuan, “Re-Assessing the Evidentiary Regime of the International Court of Justice: A Case For Codifying its Discretion to Exclude Evidence”, *International Commentary on Evidence*, vol. 13, Issue 1, 2015.
7. Hasan Shah, Nasim, “Discovery by Intervention: The Right of A State to Seize Evidence Located within the Territory of the Respondent State”, *The American Journal of International Law*, vol. 53, No. 3, 1959.
8. Higgins, Rosalyn, “Respecting Sovereign States and Running a Tight Courtroom”, *The International & Comparative Law Quarterly*, vol. 50, No. 1, 2001.
9. Highet, Keith, “Evidence, the Court and the Nicaragua Case”, *American Journal of International Law*, vol. 81, No. 1, 1987.
10. Kazazi, Mojtaba, Shifman, Bette E., “Evidence before International Tribunals-Introduction”, *International Law FORUM du Droit International*, vol. 1, No. 4, November 1999.
11. Lalaj, Ana, “Burning Secrets of the Corfu Channel Incident”, In: Ostermann, Christian F. (ed.), *The Cold War International History Project Working Paper Series*, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Working Paper No. 70, 2014.
12. Mansour Fallah, Sara, “The Admissibility of Unlawfully Obtained Evidence before International Courts and Tribunals”, *The Law & Practice of International Courts and Tribunals*, vol. 19, Issue 2, 2020.
13. Marco, Roscini, “Digital Evidence as a Means of Proof before the International Court of Justice”, *Journal of Conflict and Security Law*, vol. 21, No. 3, 2016.

14. Ospina, Edvardou Valencia, "Evidence before the International Court of Justice", *International Law Forum du Droit International*, vol. 1, No. 4, 1999.
15. Palchetti, Paolo, "Making and Enforcing Procedural Law at the International Court of Justice", *Question of International Law*, vol. 61, 2019.
16. Reisman, W. Micheal, Freedman, Eric E., "The Plaintiff's Dilemma: Illegally Obtained Evidence and Admissibility in International Adjudication", *American Journal of International Law*, vol. 76, No. 4, 1982.
17. Thirlway, Hugh, "Dilemma or Chimera? The Admissibility of Illegally Obtained Evidence in International Adjudication", *American Journal of International Law*, vol. 78, Issue 3, 1984.
18. Tomka, Peter, Proulx, Vincent-Joel, "The Evidentiary Practice of the World Court", Working Paper 2015/010, National University of Singapore, 2015.

- Case Law

1. *Al Matri v. Council*, Case T-200/11, ECLI: EU: T: 2013:275.
2. *Al Nashiri v. Poland*, ECHR, Application, No. 28761/11, 24 July 2014.
3. *Armed Activities on The Territory of Congo*, Democratic Republic of the Congo v. Uganda, I.C.J., Judgment, 2022.
4. *Bank Mellat v. Council*, Case T-496/10, ECLI: EU: T: 2013:39.
5. *Bank Saderat Iran v. Council*, Case T-494/10, ECLI: EU: T: 2013:59.
6. *Case Concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide*, Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro, I.C.J., Judgment, 2007.
7. *Case Concerning Corfu Channel*, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania, Merits, I.C.J., Judgment, 1949.
8. *Case Concerning Oil Platforms*, Islamic Republic of Iran v. United States of America, I.C.J., Judgment, 6 November 2003.
9. *Case Concerning U.S. Diplomatic and Consular Staff in Tehran*, United States of America v. Iran, I.C.J., Judgment, 1980.
10. *Dalmine v. Commission*, Case T-50/00 ECR II-2405, 2004.
11. *El-Masri v. Former Yugoslav Republic of Macedonia*, ECHR, Judgment, No. 39630/09, 2012.
12. *Persia International Bank v. Council*, Case T-493/10, ECLI: EU: T: 2013:398.
13. *Prosecutor v. Ayyash et al*, Special Tribunal for Lebanon (STL), Request for the Admission of a Document and Submissions in Favor of the Admissibility of Diplomatic Cables Published on the WikiLeaks Website, Case No. STL-11-01/T/TC, 17 April 2015.

14. *Prosecutor v. Taylor*, SCSL, Decision on Public with Confidential Annexes A and B, Prosecution Motion to Call Three Additional Witnesses, Case No. SCSL-03-01-T-993, 29 June 2010.
15. *Prosecutor v. Taylor*, SCSL, Defense Opening Statement, Case No. SCSL-03-01-T, 13 July 2009.
16. *Prosecutor v. Taylor*, The Special Court for Sierra Leone (SCSL), Decision on the Urgent and Public with Annexes A-C, Defence Motion to Re-Open its Case in Order to Seek Admission of Documents Relating to the Relationship between the United States Government and the Prosecution of Charles Taylor, Case No. SCSL-03-01-T-1171, 27 January 2011.
17. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al.*, STL, Badreddine Defense Motion for Certification to Appeal the Decision on the Admissibility of Documents Published on the WikiLeaks Website, 2015.
18. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al.*, STL, Badreddine Reply, 2015.
19. *The Prosecutor v. Salim Jamil Ayyash et al.*, STL, Decision on the Admissibility of Documents Published on the WikiLeaks Website, 2015.
20. *United States v. Manning Bradley E.*, United States Army First Judicial Circuit, PFC, Special Findings, 15 August 2013.

- Documents

1. Agreement on the Privileges and Immunities of the International Criminal Court 2002, 2271 UNTS 3, Adopted 9 September 2002.
2. Annex II to Council Decision (CFSP) 2010/413/CFSP, 26 July 2010, Concerning Restrictive Measures against Iran and Repealing Common Position, 2007/140/CFSP, OJ L195/39, 2010.
3. Annex V to Council Regulation, No. 423/2007, 19 April 2007, Concerning Restrictive Measures against Iran, OJ L103/1, 2007.
4. Special Court of Lebanon, Rules of the Court.
5. Special Court of Sierra Leone, Rules of the Court.
6. Statute of International Criminal Court, Rome, 17 July 1998.
7. Statute of Special Court of Lebanon.
8. Statute of Special Court of Sierra Leone.
9. Statute of the International Court of Justice, Rules of the Court.
10. Statute of the International Court of Justice.
11. Vienna Convention on Diplomatic Relations, 1961.

- Website

1. Clinton, Hillary, Consulate General of the United States, Eurasian University in Astana, Kazakhstan, 30 November 2010.
2. Clinton, Hillary, Remarks by Secretary of State Clinton on Internet

- Freedom, *U.S. Department of State*, 15 February 2011.
3. Clinton, Hillary, Remarks to the Press on Release of Purportedly Confidential Documents by WikiLeaks, *U.S. Department of State*, 29 November 2010.
 4. Cobain, Ian, *The Guardian*, CIA Rendition: More than a Quarter of Countries 'Offered Covert Support', 5 February 2013.
 5. Crowley, Philip J., Daily Press Briefing, *U.S. Department of State*, 1 December 2010.
 6. Freehills, Herbert Smith, García-Perrote, Guillermo, "Admissibility of Hacked Evidence in International Arbitration", *Kluwer Arbitration Blog*, 7 July 2021.
 7. *The Guardian*, U.S. Embassy Cables: The Protracted Case against Charles Taylor, 15 April 2009, at: <<https://www.theguardian.com/world/us-embassy-cables-documents/202468>>, last seen 28th July 2022.

